

نمایش نامه و کودک و نوجوان

○ ناهید معتمدی

نمایش و ادبیات نمایشی:

شناخت ماهیت نمایش و درک اصول و تکنیک‌های اساسی و توان نگرش انتقادآمیز بر آن، امری واجب است. واژه نمایش (drama) در یونانی، به معنی کنش است. نمایش، کنشی تقلیدی است؛ کنشی برای تقلید و یا بازنمایی رفتار بشر.

نمایش یک قالب ادبی نیست. زمانی که گفتار نمایش، به صورت نوشتار در می‌آید، ادبیات نامیده می‌شود و ادبیات نمایشی را می‌سازد که گونه‌ای از ادبیات است. عنصری که نمایش را نمایش می‌کند، به طور دقیق بیرون و فراسوی واژه‌ها قرار دارد و عبارت از کنش یا عملکرد است که اندیشه و مفهوم موردنظر پدیدآورنده اثر را تحقق کامل بخشد. هنر نمایش، ملموس‌ترین و عینی‌ترین شکل بازآفرینی موقعیت‌ها و روابط انسانی است و این امر ناشی از آن است که نمایش برخلاف قالب‌های روایتی که به بازگویی رویدادهای گذشته و خاتمه یافته گرایش دارد، به زمان حال می‌پردازد و در «اکنون» و «این‌جا» جاری است.

نمایش تمام خصوصیات دنیای واقع و موقعیت‌های واقعی زندگی را در خود دارد. با این تفاوت که در موقعیت‌هایی که انسان در زندگی با آن روبه‌رو می‌شود، واقعیت دارد. در حالی که در سایر شکل‌های نمایشی، مانند رادیو و سینما و تلویزیون، این موقعیت‌ها صرفاً ساختگی، نمایشی و بازسازی است. تفاوت بین واقعیت و نمایش، در آن است که رویدادهای واقعی دگرگون ناشدنی و بازگشت‌ناپذیر است، در حالی که می‌توان نمایش را همواره از ابتدا آغاز کرد. نمایش، شبیه‌سازی واقعیت است. نه تنها وسیله وقت‌گذرانی نیست، بلکه تمامی فعالیت‌های نمایشی، در سیر بالتدگی و نیک بودی بشر اهمیت به‌سزایی دارد.

کودکان برای مانوس شدن با الگوهای رفتاری که می‌باید در طول زندگی در عالم واقعیت به کار بگیرند و تجربه کنند، نقش بازی می‌کنند. بچه‌های حیوانات نیز برای آموختن شکار، پرواز و جهت‌یابی بازی می‌کنند. اصولاً تمام فعالیت‌های بازی وار از این دست، کیفیت نمایشی دارد؛ زیرا با تقلید و روبروداری از موقعیت‌ها و الگوهای رفتاری زندگی واقعی، به وجود می‌آید. گزینه بازی یکی از انگیزه‌های بنیادی بشر است که برای بقای فرد و نیز نوع بشر، ضروری است. بنابراین، نمایش را می‌توان بیش از یک وقت‌گذرانی محض دانست. این

در سراسر دوران جوانی‌ام موسیقی، هر نوعش را که بگویی، برایم غذایی بود، ولی حالا که دسته‌های جاز، عاقبت به میدان آمده‌اند، احساس مطبوعی دارم. آیا ممکن است که تئاتر هم همین حال را داشته باشد؟ شمای که نمی‌توانید بفهمید آن چه ما می‌گوییم، حرف بزرگی هست یا نه، لاقلاً بیابید هم و غم‌تان را صرف این کنید که تئاتر یعنی این جایی که در آن حرف‌های بزرگ و حرف‌های کوچک می‌زنند، خوشایند باشد.»

برتولت برشت (۱۹۲۶)

تئاتر، یعنی برگردان زنده وقایع نقل شده یا ابداع شده‌ای که در زندگی اجتماعی انسان‌ها روی می‌دهد و هدف از این برگردان، تفنن است. چیزی که ما در این نوشته از مفهوم تئاتر اراده می‌کنیم، چه در تئاتر قدیم و چه جدید. اگر بخواهیم این تعریف را گسترش دهیم، می‌توانیم وقایعی را که میان انسان‌ها و خدایان روی می‌دهند، به آن اضافه کنیم. وسیع‌ترین عملکرد تئاتر سرگرمی است و برتولت برشت، این ویژگی را شریف‌ترین عملکرد ادبی دانسته که تئاتر دارد. او معتقد است که وظیفه تئاتر، دادن اخلاقیات و یا آموزش نیست. تئاتر حداکثر این که به تماشاگر یاد می‌دهد چطور می‌تواند در زندگی تحرکی لذت‌بخش داشته باشد چه از نظر جسمی و چه روحی.

هنر، پیوند عمیقی با ساختار شالوده‌های نوع بشر دارد.

کودکان در خلق بازی، نقش‌هایی را که در بزرگسالی باید ایفا کنند، برعهده می‌گیرند و می‌آزمایند. نمایش، نه تنها ملموس‌ترین - یعنی غیر انتزاعی‌ترین - نوع تقلید هنری از رفتار واقعی انسان‌هاست، بلکه ملموس‌ترین قالب اندیشه‌ورزی و تعمق در اطراف وضعیت‌های انسانی نیز هست. هرچند تجریدی‌تر باشد، اندیشه از واقعیت دورتر می‌شود. برای کودکان گروه‌های سنی الف، ب، حتی ج می‌تواند از واقعیت محض، زندگی ملموس آن‌ها و پیرامون دنیای عینی آن‌ها پیروی کند و کم‌تر از جنبه‌های تجریدی سود جوید... هرچه سن کودکان به نوجوانی و جوانی و... می‌رسد، نمایش حالت انتزاعی‌تری به خود می‌گیرد و در گروه‌های سنی بزرگسال، نوعی تعمق فلسفی در مسائل، نه از جنبه انتزاعی صرف بلکه از جنبه‌های عینی و ملموس و به اصطلاح فلسفی یا اصالت وجود می‌تواند در نمایش وجود داشته باشد. «برشت» نمایش را شیوه‌های عملی و تئاتر را آزمایشگاهی برای آزمون رفتار انسان، تحت شرایط گوناگون می‌داند. اکثر مشکلات و مسائل کودکان و نوجوانان، و حتی مواردی از ناهنجاری اجتماعی آن‌ها، می‌تواند از طریق دیدن تئاتر و نمایش مطرح شود. چنان که در نمایش‌نامه‌های معرفی از «ایسن، برنارد شو، برشت» این موضوع تحقق عینی پیدا کرده است. مسائل عمیق فلسفی نیز در

۲- از داستان‌های کهن و حکایت‌ها و افسانه‌های قدیم، مطالبی انتخاب و با زبان امروزی بازنویسی شود. به شکلی که با ویژگی‌های کودکان و نوجوانان همساز باشد و هویت ملی و سنت و فرهنگ کهن در بازنویسی اثر حفظ شود و اثر جدید ویژگی‌های یک بازنویسی خلاق و ابداعی را داشته باشد. در این نوع نمایش‌نامه‌ها، معمولاً حس هویت بخشی، فرهنگ ملی و وطن‌خواهی در تماشاگر پیدا می‌شود و در ضمن، آن‌ها را به متون کهن و ادبیات کلاسیک و سنت‌ها و آداب و رسوم ملی خویش آشنا می‌کند. این کار، در صورتی موفق‌آمیز خواهد بود که نمایش‌نامه‌نویس، انتخاب درست در زمینه مطلبی که می‌خواهد به صورت نمایش‌نامه درآورد، داشته باشد.

۳- مطالعه روزنامه‌ها و مجله‌ها و هر آن‌چه از مسائل کودکان و نوجوانان در وسایل ارتباط جمعی نوشته و یا مطرح می‌شود، می‌تواند موضوع یک نمایش‌نامه قرار گیرد و به صورت نمایش‌نامه به تصویر درآید. از جلوه‌های مثبت این‌گونه نمایش‌نامه‌ها، آن است که به دلیل، همخوانی و همسازی موضوع نمایش و مشکلات کودکان و نوجوانان، بسیار تأثیرپذیر است و تماشاگر را در عرصه زندگی، جامعه و مسائل آن به شناخت و آگاهی می‌رساند و راهکارهای مناسبی در زمینه‌های مختلف برای خود پیدا می‌کند.

نمایش‌نامه‌نویس می‌تواند با جهان‌بینی و نگرش گسترده خود، بسته وسیعی را در حوزه کودکان و نوجوانان و مسائل آن‌ها کنکاش و پژوهش کند. نمایش‌نامه‌نویس می‌تواند نیازهای روانی - ذهنی، آموزشی - مسائل خانوادگی و اجتماعی آن‌ها را در نمایش‌نامه بشکافد و مورد بحث و بررسی قرار دهد.

گارسیا لورکا، به ما توصیه می‌کند که نمایش‌نامه‌هایش را نه فقط با گوش، بلکه با چشم نیز بشنویم. حساسیت او به رنگ، شکل، ضربانگ و هماهنگی همه موارد و اجرای نمایش، توجه خاصی را طلب می‌کند و معتقد است که رنگ، بافت یا شکل را می‌توان به عناصری برای ایجاد ارتباط تبدیل و تماشاگران را مجذوب کرد.

عناصر و ساختار نمایش‌نامه

۱- موضوع یا فکر اصلی، ماجرا (کشمکش یا رویداد)، طرح، شخصیت یا بازیگر و گفت‌وگو در هر نمایش‌نامه‌ای، ساختار نمایش‌نامه را می‌سازد. موضوع، فکر اصلی و مسلط بر نمایش‌نامه است. انتخاب موضوع توسط نمایش‌نامه‌نویس، از اهمیت خاصی برخوردار است و به حوزه تجربه و شناخت نویسنده از مسائل کودکان و روان‌شناسی کودک بستگی دارد. سطح نگرش نویسنده و محدوده ذهن او نسبت به کودکان جهان، ژرفای یک موضوع را در هر اثر هنری نشان می‌دهد.

ماجرا (کشمکش یا رویداد)، حوادثی است که به شکل‌گیری و ستیز بین دو جناح متضاد اتفاق می‌افتد. این درگیری‌ها و بحث و جدل بین شخصیت‌ها معمولاً سرانجامی می‌یابد و از نظر بیننده، لازم است محور جدل‌ها به صورتی منطقی پیش برود. کودکان و نوجوانان، به مقتضای سن، ذهنی مستدل و کنجکاو دارند و باید قانع شوند و نمایش‌نامه، معمولاً به چراهای آن‌ها پاسخ می‌دهد.

طرح: هر نمایش‌نامه‌ای ابتدا و انتهای دارد. پرورش موضوع، تعمق و تفکر و مراحل آن، گامی است که نمایش‌نامه را عمق می‌بخشد. اگر نمایش‌نامه‌ای حرف دل مخاطب کودک و نوجوان را بزند و مسائل آن‌ها را مطرح کند، به طور قطع دیدن چنین نمایش‌نامه‌ای، برای آنها لذت بخش و پرثمرتر است.

نویسنده کودک و نوجوان می‌تواند از شناخت مخاطبان خود و تجربه کردن دنیای آن‌ها، دیدن و لمس کردن مسائل و دغدغه‌های ذهنی و روانی آنها بهره بگیرد و نمایش‌نامه بنویسد

نمایش‌نامه‌های «استریندبرگ، کامو، سایر و بکت» بازکاوی شده است. در نمایش‌نامه‌های کودکان و نوجوانان، موضوع‌ها و مفاهیم انتزاعی را در نمایش‌نامه «شازده کوچولو»، اثر «آگروپری» و هم‌چنین مفاهیم عینی را اغلب در نمایش‌نامه‌های مدارس می‌توان دید. از نمایش‌نامه‌های منظوم، می‌توان به «شهر قصه»، از بیژن مفید اشاره کرد. «شاه‌پرک‌ها» و «هفت کلاغ و روباه» از نمایش‌نامه‌های موفق بودند که در گذشته، توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اجرا شده و بسیار هم مورد توجه تماشاگر بوده است.

شیوه‌های گزینش موضوع

نویسنده کودک و نوجوان می‌تواند از شناخت مخاطبان خود و تجربه کردن دنیای آن‌ها، دیدن و لمس کردن مسائل و دغدغه‌های ذهنی و روانی آنها بهره بگیرد و نمایش‌نامه بنویسد. این موضوع می‌تواند از چند طریق صورت گیرد. ۱- زندگی‌نامه و شرح احوال بزرگان، به شکلی ارائه شود که الگوپذیری برای مخاطب (تماشاگر) آسان شود و حس کنجکاو آن‌ها را برانگیزد و آنها را در تلاش برای سیر متعالی زندگی کمک کند.



شخصیت یا بازیگر در نمایش: فرد بازیگر در نمایش با رفتار و سخنانش خود را به تماشاگر می‌شناساند و یا هر بازیگر یک بازیگر دیگر را معرفی می‌کند. شخصیت‌ها نباید ایستا باشند. جهان هر لحظه در حال تحول است و انسان جزئی از این جهان و همواره در حال تغییر و تحول است؛ به ویژه کودکان و نوجوانان در تغییر، سرعتی شگفت‌آور دارند. بنابراین، تحول‌پذیری و پویا بودن بازیگران می‌تواند الگویی مناسب برای مخاطب باشد.

گفت‌وگو: گفت‌وگو در هر نمایش‌نامه‌ای از ارکان اصلی و شامل حرف‌هایی است که بازیگران (شخصیت‌ها) در هنگام بازی، با هم رد و بدل می‌کنند. محور آن در مسیری حرکت می‌کند که به کشف حقایق منجر شود. گفت‌وگو نظم و مفهوم مشخص دارد. کاربرد کلمات مناسب و لحن سخن

گفتن در نمایش‌نامه مهم است. هر واژه بار معنایی خاص دارد و بار عاطفی ویژه‌ای را القا می‌کند. آن چه گفته می‌شود، از چگونه گفتن جدا نیست. لحن و زبان گفت‌وگو در یک نمایش‌نامه موفق و خوش اجرا، معمولاً با موضوع، تیپ بازیگر و وضعیت روانی او همساز است. مثلاً بعضی موضوع‌ها جنبه روزمره دارد. برخی از گفت‌وگوها ادبی است و یا لحنی عاطفی و یا حالت تحکم دارد.

ساختار هر اثر ادبی یا نمایشی، از ترکیب عناصر سازنده آن تشکیل می‌شود. عناصر در هم تأثیر متقابل دارند و در تعامل با یکدیگر، یک کل را می‌سازند که با کیفیت کامل و پویا، عناصر سازنده را تحت پوشش قرار می‌دهد. هرگونه ناهماهنگی در یک عنصر، عناصر دیگر و در نتیجه کل اثر، یعنی ساختار اثر را بی‌نصیب نمی‌گذارد. بنابراین، ساختار با اجزا و عناصر

مطلوب و همساز، می‌تواند از استحکام ساختاری برخوردار باشد. شرایط محیطی خاص و ضرباهنگ در اجرای نمایش‌نامه، چاشنی هر گفت‌وگو و پویایی فضا، چیزی است که با سرعت به تماشاگر منتقل می‌شود.

هر نمایش‌نامه، مانند یک ساختمان، دارای اسکلت فلزی و تعداد ستون اصلی است که زیرساخت نمایش‌نامه را می‌سازد. قسمت‌های خارجی که بر اسکلت سوار است. رو بناست. شرایط محیطی خاص - که باید با عناصر دیگر نمایش‌نامه در اجرای آن هماهنگ باشد - اسکلت یا ژرف ساخت است. گفت‌وگو به مثابه روساخت به شمار می‌آید. هسته مرکزی درون این ساختمان (زیرساخت و روساخت) شکل می‌گیرد و رشد می‌کند. در طرح زیر، این عناصر به شکل بارزی نشان داده شده است:

اگر به خط میانی توجه کنید، معمولاً نمایش‌نامه از این مقطع شروع می‌شود و در حالی که در زمان حال جریان دارد، گذشته را نیز به ما منتقل می‌کند. در این طرح ۵ عنصر اصلی وجود دارد:

۱- شرایط محیطی خاص: به تمامی عوامل و عناصری گفته می‌شود که محیط یا دنیای خاص نمایش‌نامه را مشخص می‌کند و رویداد در آن اتفاق می‌افتد. این عوامل و عناصر می‌تواند بازگوکننده موارد زیر باشد.

واقعیت‌های محیطی، مانند زمان، مکان و شرایط خاص. رویدادهای قبلی، مانند تمامی آن‌چه از شروع نمایش روی داده است. طرز برخورد، یعنی دیدگاه‌های اشخاص بازی نسبت به محیطی که در آن قرار دارند (شرایط محیطی نباید با صحنه‌های نمایش یا محلی که حوادث نمایش‌نامه در آن اتفاق می‌افتد، اشتباه شود).

واقعیت‌های محیطی زمان، مکان و حوادث نمایش‌نامه است که عوامل

اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و آداب و رسوم در آن دخالت دارند. تمام نمایش‌نامه‌ها از نقطه وسط و نزدیک به انتها شروع می‌شوند. رویداد زمان حال دیده می‌شود و رویداد قبلی را تماشاگر نمی‌بیند، ولی به وسیله گفت‌وگو نقل می‌شود.

حرکت در نمایش‌نامه که: تنها با گفت‌وگو نمی‌توان شخصیت‌ها را معرفی کرد. تماشاگر غیر از شنیدن گفت‌وگوها، انتظار دارد تلاش و جنب و جوش بازیگران را در صحنه ببیند؛ به‌ویژه از راه چشم می‌تواند با بازیگران ارتباط برقرار کند.

حرکت‌ها گاه تکنیکی و فقط برای تنوع است؛ مثل فرم نشستن هنگام گفت‌وگو. این حرکات ارتباط مستقیمی با ماجرای نمایش ندارد و نویسنده ملزم

می‌توان با بیگانه کردن رویدادها و یا تعویض‌های سریع و مکرر، رویدادها را از یک نواختی خارج کرد و به چشم بیننده نو و شاد گرداند. جهش یا تحول داستانی گوناگون و متناسب با گفت‌وگو، رویداد، حرکت و صدا و نور ضمیمه‌ها و هماهنگی آن‌ها برای آرامش ذهن مخاطب بسیار کارساز است

نیست آن‌ها را توضیح دهد. حرکت نمایشی با خط کلی نمایش‌نامه و شخصیت‌ها (بازیگران) در ارتباط است. این از وظیفه‌های کارگردان است؛ ایجاد ارتباط با تماشاگر و خلق یک شخصیت زنده قابل قبول و ارائه درست آن به تماشاگر است. به طوری که تماشاگر، شخصیت‌ها را زنده تصور کند و در مقابل هر یک، از خود واکنش نشان دهد.

نوجوانان بنا بر شرایط درونی که خاص سنین آن‌ها نیست، با شخصیت‌ها و بازیگران پویا، پر جنب و جوش یا زرنگ و زنده زودتر ارتباط برقرار می‌کنند. آن‌ها از رکود، سکون و بی‌حال بودن زود خسته می‌شوند. زمان، مکان و صدا، در هر حال با حرکات و گفتار باید متناسب باشد.

نمایش‌نامه در چند مرحله تداوم می‌یابد.

- ۱- نقطه شروع
- ۲- مقدمه چینی
- ۳- گره افکنی
- ۴- درگیر و ستیز
- ۵- دلپره
- ۶- نقطه اوج
- ۷- گره‌گشایی

دیالکتیک و بیگانه‌سازی در نمایش‌نامه

بیگانه‌سازی یا آشنایی‌زدایی، مجموعه‌ای از شگردها و ترفندها و ابتکاراتی است که اثر نمایشی را زیبا و پرتحرک و پویا می‌سازد. به این صورت که تماشاگر فکر می‌کند اولین بار است که این نمایش را می‌بیند و یا به راحتی با تماشاگر ارتباط ذهنی - روانی پیدا می‌کند. به طوری که تماشاگر وقتی از سالن

نمایش خارج می‌شود، ساعت‌ها ذهن او را نمایش‌نامه به خود اختصاص می‌دهد. تئاتر و نمایش، غیر از سرگرم کردن، باید بتواند به تماشاگر آگاهی و شناخت، در ابعاد مختلف زندگی و جامعه و هستی بدهد. این شناخت در درجه اول، نسبت به خود است که می‌تواند شناخت جامعه و جهان را در پی داشته باشد.

می‌توان با بیگانه کردن رویدادها و یا تعویض‌های سریع و مکرر، رویدادها را از یک‌نواختی خارج کرد و به چشم بیننده نو و شاد گرداند. جهش یا تحول داستانی گوناگون و متناسب با گفت‌وگو، رویداد، حرکت و صدا و نور ضمیمه‌ها و هماهنگی آن‌ها برای آرامش ذهن مخاطب بسیار کارساز است. مدت تضادها، وحدت زمان، مکان، عمل و لحن در نمایش‌نامه از اصول مهم است. در ضمن، با گنجاندن فیلم مستند در نمایش، می‌توان از کلام فاصله

پیام نباید مستقیم و شعاروار ارائه شود. باید هر عمل و حرکتی در صحنه نمایش ذهن کنجکاو مخاطب را درگیر کند و تلنگری باشد بر ذهن پرتلاش و فعال نوجوان. نوجوانان از بداهه‌پردازی لذت می‌برند.

تقسیم کار، دادن نقش‌ها به نوجوانان بازیگر، با هدایت و رهبری کارگردان، شکل نهایی خود را می‌یابد. همه عوامل و عناصر در مدت تمرین، حضوری فعال و خلاق دارند.

اجرای نمایش با یک موضوع مشخص، با شخصیت‌های اصلی و فرعی که از کودکان و نوجوانان هستند، مهم‌ترین اصل ایجاد ارتباط (حسی - منطقی - فیزیکی) با مخاطب است. مخاطبان نوجوان و یا

کودک، از گفت‌وگو و حرکات و رفتار جالب بازیگران همسال خود، به هیجان می‌آیند و تحرک و حس خاصی را از خود نشان می‌دهند. نمایش‌نامه‌های کم‌دی، طنزهای اجتماعی، حتی تراژدی و درام برای آن‌ها لذت‌بخش است. صحنه‌ها باید شاد و پرنشاط باشد. معمولاً نمایش‌نامه‌هایی که

برای کودکان و نوجوانان انتخاب می‌شود، بهتر است پایان خوشی داشته باشد و یا لاقط مخاطب را با انتخاب پایان داستان درگیر کند. توجه داشته باشیم که غیر از سرگرم کردن مخاطبین مورد نظر، نقش‌های آموزشی و پرورشی را نباید فراموش کرد. هر حرکت و گفت‌وگو، باید الگوی مناسبی برای تماشاگر نوجوان باشد.

علاوه مسائل کودکان و نوجوانان، می‌توان مسائل بشری را نیز در نمایش‌نامه ارائه داد و کودکان و نوجوانان را با همسالان خود در جهان آشنا کرد. نگاه و نگرش کودک و نوجوان را گسترش داد و ذهنیتی فرامرضی و فراوطنی در آن‌ها به وجود آورد.

آن‌ها (کودکان و نوجوانان) بسیار حساس و عاطفی هستند و در عین حال، از تفکر منطقی برخوردارند. نمایش‌نامه و پیام آن باید دو جنبه عاطفی - منطقی را در نظر داشته باشند. از مطلق‌گرایی در دادن پیام و یک قطبی دیدن مسائل باید پرهیز کرد و باید از تمام عوامل و شرایط و عناصر مطلوب، در صورت امکان استفاده شود تا حس خرسندی ارضای ذوق هنری و حس دنیایی شناختی مخاطبان فراهم آید.

اصولاً در کار کردن برای کودکان و نوجوانان، شناخت ذهن و روان آن‌ها و حوزه زندگی و دنیای ویژه کودک و نوجوانان، یک اصل اساسی است و در هر کاری توانمندی، تجربه زندگی و ویژگی‌های ذهنی - روانی آن‌ها را باید در نظر گرفت.

منابع:

- 1- Zhdrens Lileraturein the Elementary School Charlottes Huck
- 2- اسلین، مارتین: نمایش چیست، ترجمه شیرین تعاونی (خالقی)
- 3- بیضایی، بهرام: نمایش در ایران
- 4- شماسی، عبدالحی: نمایش‌نامه‌نویسی به زبان ساده
- 5- دامود احمد: اصول کارگردانی
- 6- برشت، برتولت: درباره تئاتر، ترجمه فرامرز بهزاد
- 7- پارسا، محمدرضا: روان‌شناسی رشد کودک
- 8- ماسن، پاول و دیگران: رشد، شخصیت و کودک، مهشید یاسایی
- 9- دیدگاه پیازه در گستره تحول روانی، پ دادستان، م. منصور

در زمینه نمایش‌نامه و کار کودکان و نوجوانان، ساختمان نمایش‌نامه و طرح اجرای آن با بزرگسالان هیچ تفاوتی ندارد. در واقع، تکنیک و ساختار عناصر به کار گرفته شده یک‌سان است و فقط حوزه تجربه‌های کودکان و نوجوانان، با بزرگسالان متفاوت است

گرفت و یا زبان را منظوم و لغت‌ها را ناآشنا کرد. مثلاً بازیگر نباید زبان منظوم را به نثر عادی بیان کند.

در نمایش، همه چیزها وابسته به مضمون است. مضمون قلب نمایش است. هر مطلبی که بحث‌پذیر، انتقادپذیر و تغییرپذیر باشد، از مناسبات بین انسان با انسان به دست می‌آید. در عصر ما فقط سرگردانی قابل تجربه خواهد بود که با واقعیت جهان بخورد.

تفاوت‌ها

در زمینه نمایش‌نامه و کار کودکان و نوجوانان، ساختمان نمایش‌نامه و طرح اجرای آن با بزرگسالان هیچ تفاوتی ندارد. در واقع، تکنیک و ساختار عناصر به کار گرفته شده یک‌سان است و فقط حوزه تجربه‌های کودکان و نوجوانان، با بزرگسالان متفاوت است.

معمولاً داستان یا هر طرحی که برای تئاتر نوجوانان نوشته می‌شود، باید با مسائل روز آمیخته شود و تا حدودی شیوه اجرایی و سیستم نمایشی آن آگاهانه در درون آن شکل می‌گیرد. امکان دارد موضوع‌ها و قانونمندی‌های این طرح و یا سیستم کاری که به صورت نمایش‌نامه درمی‌آید از بطن بازی‌های کودکان نشأت گیرد. اگر چنین نمایش‌نامه‌ای نوشته و اجرا شود، سریع‌تر با کودکان ارتباط برقرار می‌کند و تأثیر آن بر مخاطبین کودک و نوجوان، بسیار عمیق است. اگر در کارهای گروهی کودکان دقیق شویم، می‌بینیم که شیفته کارهای جمعی هستند. کودکان و نوجوانان، از فعالیت‌های جمعی و سازمان یافته لذت می‌برند. کار برای این گروه سنی، باید به طور نسبی، هدفمند باشد. منتهی این هدفمندی نباید به زیبایی‌شناختی و هنری نمایش لطمه بزند.